

آينه

کیتان

هم‌دموکرات هم تمامیت‌خواه!

● ... این موضوع [قانون‌گریزی] تنها در فتنه ۸۸ رخ نداد. روزگاری رئیس دولت دهم مدعی بود فلان قانون را به دلیل فلان مشکل – به نظر خودش منطقی – اجرا نمی‌کند! سخنان اخیر رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و سخنگوی دولت، مصداق روحیه قانون‌گریزی و عبور از فرایند تقسیم قواست! محمداقرب نوبخت برخلاف نص صریح اصل ۵۵ قانون اساسی، آرزوهای خود را در قالب باید و نباید بیان می‌کند و می‌کوشد عملاً قوانین جمهوری اسلامی ایران را نادیده بگیرد. موضع جناب سخنگو هم کاملاً روشن است و از قضا، همین روحیه خطرناک باعث پدیدآمدن وضعیت کنونی در کشور شده است. یعنی ما با مدیرانی مواجه هستیم که در مقابل دوربین، شعار قانون‌گرایی می‌دهند اما «چون به خلوت می‌روند آن کار دیگری می‌کنند!» سربیزی از: ۸۰ درصد قانون بودجه سال ۹۵ نتیجه چنین نگاهی است و حلال هم که دیوان محاسبات در اقدامی ستودنی حقیقت اقدامات آقایان را گفته، به «تشویش اذهان عمومی» متهم می‌شود! ما چرا چنین حرف‌هایی می‌شنویم؟! علت این است که در برخی افراد هنوز هم «میل به خودکامگی» زنده است! آنها دلشان می‌خواهد همه چیز مطابق میل آنها باشد و اگر نباشد، برمی‌آشوبند، و فریاد می‌زنند! نهایت آرزوی برخی دولتمردان، داشتن «بودجه میلی» است!

آدم‌بردار

از آدم‌برفی تا آدم‌حرفی

● **حسین فدایی:** ... باز «آدم‌برقی» کمی ما آدم‌ها را شاد می‌کند اما «آدم‌حرفی» همه‌اش حرف می‌زند و حتی رای‌دهندگانش را هم پشیمان می‌کند! آدم‌حرفی‌های مکتب بخور و بخواب، استاد غافلگیرشدند! و عوض «مدیریت بحران» مدیریت‌شان بحران دارد! اما آدم مکتب ولایت‌فقیه، حتی دست دهمین هم که بیفتد، با برق نگاه نافذش، دشمن را غافلگیر می‌کند! نه! ملتی که شهادت دارد و بلباسی و حجی دارد و حاج‌قاسم را دارد، هرگز اسارت ندارد!... شهید مدافع حرم، مدافع حریم امنیت همه است؛ همه حتی آن مدیری که طعنه می‌زند به رزمندگان! پس بپار ای برق!... اگر دیروز عبور از عرض اردن، مسئله سیاه ما بود، امروز را بنگر که از جوان عراقی گرفته تا رزمده یمنی و از مبارز فلسطینی گرفته تا نوجوان سوری، افتخار می‌کنند به اینکه قاسم سلیمانی، سردار همه منطقه است! و ما این نفوذ را از اروپایی‌ها نگرفته‌ایم که برای ادامه آن، منتظر نظر اروپا باشیم! اروپا در جنگ، حامی صدام بود و به آن جلد، همه رقم کمکی کرد اما امروز در عراق، صدام نیست و قاسم سلیمانی هست! چرا؟! چون خداوند نمرده است! خدا گاهی خود را در بلورهای برف نشان می‌دهد، گاهی در قطرات اشک حاج‌قاسم؛ آنجا که در فراق احمد کافظمی، اشک می‌ریزد... نسل سفیدپخت ما را هرگز خدا قطع نخواهد کرد! ما تازه داریم آماده می‌شویم برای روز موعود! ما چشم‌به‌راه سبیده‌ایم! این حق مسلم مردمان مقاوم انقلاب اسلامی است که ظهور امامی را ببینند که خلاصه همه انبیا باشد!

پروش رستم‌های پوشالی در اقتصاد دولتی!

● **مهران ابراهیمیان:** ...دیروز دوستی حکایتی تعریف کرد که شاید شبیه‌ترین مصداق اقتصاد دولتی و ایراد آن طی ده‌های گذشته بوده است؛ ایرادی که در اقتصادهای متمرکز از بعد از ظهور کمونیسم به وجود آمده و کارایی و بهره‌وری را در بنگاه‌ها از بدو تولد و در تمام طول عمر و حیاتشان با آنها همراه است، البته منظور نگارنده شباهت اقتصاد موجود حاکم بر کشور با کمونیسم یا تمایل به اقتصاد بازار آزاد نیست زیرا با شرایط موجود و سهم دولت نقش‌پذیری دولت در اقتصاد غیر قابل انکار است. با این حال واقعیت این است که اقتصاد ما به دلیل شرایط ذاتی دائم در حال خشتی‌کردن نیروها و انگیزه‌هاست و هر کسی و هر بنگاهی به دنبال حداکثرکردن منافع خود نه تنها حرکت در مسیر توسعه و پیشرفت را کند کرده بلکه در برخی موارد به نادیده‌گرفتن اقتصاد به شکل یک «کل واحد» بحران‌ساز هم کرده‌اند که این روزها از آن به عنوان شش ابرچالش یاد می‌شود. اما آن دوست عزیز چه گفت؟ او گفت برخی اسم فرزندان را رستم می‌گذارند اما بعد حتی می‌ترسند که نامش را صدا زنند... اقتصاد دولتی تعداد زیادی مولود دارد که نام‌های مشابه و خیالی رستم‌گونه دارند و کار به جایی کشیده که حتی خود دولت هم جرئت نمی‌کند ساختار یا مدیریت آن را هم تغییر دهد!... یک روز با افزایش تعرفه‌های بالا، یک روز با افزایش نرخ ارز، یک روز با چشم‌پوشی از مصوبه منع بنگاهداری بانک‌ها، یک روز خوراک ارزان پتروشیمی ... ز میانه جان دولت و بودجه‌ها را می‌بلعند... تا زمانی که دولت و مجلس و نمایندگان مجلس تصمیماتشان را تحت تأثیر خواسته‌های نامحدود آنها تنظیم کنند، در بر روی همین پاشنه خواهد چرخید.

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

زیر و بم «کنوانسیون پالمو»

هادی موسوی، کارشناس سیاسی

اجرای موقت این کنوانسیون در بهمن ۱۳۷۹ از سوی معاون اول وقت ریاست‌جمهوری به وزارت خارجه ابلاغ شده و از آن زمان تاکنون (شامل دولت‌های هفتم، هشتم، نهم و دهم) این کنوانسیون در کشور در حال اجراست. در این سال‌ها درباره شرایط اجرای این کنوانسیون در نهادهای مختلف بررسی‌های متعددی شده که از آن جمله گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۸۷ است. در این سال‌ها نیز هیچ‌گونه مشکلی در اجرا یا تداخلی با منافع ملی ایران گزارش نشده است، بنابراین به نظر می‌رسد دغدغه برخی از منتقدان از مضرات این کنوانسیون بیشتر ناشی از آگاهی‌نداشتن از سابقه اجرایی این کنوانسیون باشد.

از نظر محتوایی نیز بیشتر انتقاده‌ها ناشی از آشنایی‌نداشتن با سازوکار معاهدات بین‌المللی و این کنوانسیون است. این کنوانسیون نه مصادیقی از گروه‌های تروریستی دارد، نه وارد الزامات اجرایی فعالیت‌ها می‌شود و نه به اطلاعات کشور دسترسی پیدا خواهد کرد. این کنوانسیون صرفا چارچوب کلی برای مقابله با جرائم فراملی را پیشنهاد می‌کند. همچنین برخلاف ادعاها باعث تحریم یا صادرشدن قطع‌نامه تحریمی علیه کشور یا کشورهایی نخواهد شد.

این معاهده مانند بسیاری از معاهدات بین‌المللی «حق‌تحفظ» را برای کشورهای عضو به رسمیت شناخته و هر کشور براساس مصالح خود اقدام به تصویب و اجرای این کنوانسیون خواهد کرد. همچنان‌که تقریباً تمامی کشورها در فهرست حق تحفظ‌های این کنوانسیون مواردی را مشخص کرده‌اند. برخی مخالفان این کنوانسیون، شرط پذیرش حق

دفاع از یک کنوانسیون

وزارت خارجه: ارتباط پالمو با فعالیت‌های نهضت‌های آزادی‌بخش و گروه‌های مقاومت بلاموضوع است



مقابله مؤثر با جرائم مختلف می‌باشد.
۲. هدف و دامنه شمول مفاد این کنوانسیون تنها محدود به جرائم به قصد انتفاع مالی یا مادی است. به عبارتی، موضوعات ذیل کنوانسیون پالمو، کافلا نمی و در حوزه مقابله با جرائم سازمان‌یافته فراملی از جمله قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، قاچاق مهاجران غیرقانونی و قاچاق اموال و آثار فرهنگی و تاریخی و عواید مالی ناشی از این‌گونه جرائم است که همواره یکی از موارد تهدید علیه امنیت جمهوری اسلامی ایران در منطقه بوده و امکان این تهدید ادامه دارد. بدیهی است کنوانسیون به‌هیچ‌عنوان به جرائم تروریستی، تأمین مالی تروریسم و دیگر جرائم با ماهیت سیاسی نمی‌پردازد.

۳. بنابراین و با توجه به هدف و موضوع کنوانسیون، ارتباط‌دادن این کنوانسیون با فعالیت‌های نهضت‌های آزادی‌بخش و گروه‌های مقاومت بلاموضوع است.

مبارزات نهضت‌های آزادی‌بخش و گروه‌های مقاومت علیه اشغالگری خارجی، طبق قواعد حقوق بین‌الملل عام در چارچوب اصل حق تعیین سرنوشت مورد شناسایی قرار گرفته است. بااین‌حال، به منظور رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌های مطروحه، دولت جمهوری اسلامی ایران در لایحه الحاق، در قالب ارائه حق تحفظ، اعلام کرده که اجرای این کنوانسیون خدشه‌ای بر حق مشروع و پذیرفته‌شده ملت‌های تحت استعمار و اشغال خارجی، مبارزه با تجاوز و اشغالگری و حق تعیین سرنوشت وارد نخواهد کرد. مضافاً اینکه تلقی تروریستی از فعالیت مشروع جریان‌های اصلی مقاومت در منطقه، تلقی موردنظر دولت آمریکا و ناآگاهانه در راستای منوابع رژیم صهیونیستی بوده و ظلم آشکاری به آنهاست.
۴. این کنوانسیون که توسط گروه بی‌شماری از

تحفظ را مغایرت‌نداشتن با روح کلی این کنوانسیون ذکر کرده‌اند که به نظر نمی‌رسد حق تحفظ‌های مصوب مجلس مغایرتی با کلیت کنوانسیون داشته باشد، چراکه این کنوانسیون فقط چارچوب کلی را مشخص می‌کند و حق تحفظ‌های ایران بیشتر بر سر روش اجرایی این کنوانسیون دغدغه دارد. یکی از دغدغه‌های منتقدان حمایت از گروه‌های مقاومت در سطح منطقه است و مدعی هستند این کنوانسیون‌ها مانع کمک ایران به این گروه‌ها خواهد شد. درحالی‌که ایران سال‌هاست در حال کمک به جبهه مقاومت بوده و هم‌زمان این کنوانسیون نیز در حال اجراست. همچنین کشورهایی مانند لبنان و فلسطین که محل استقرار گروه‌های مقاومت هستند و آن گروه‌ها نیز در دولت‌های مربوطه حضور دارند، دغدغه‌ای دراین‌باره ندارند و به‌راحتی این کنوانسیون را تصویب و اجرا کرده‌اند. از طرف دیگر در دنیا و براساس تعریف سازمان ملل متحد فقط گروه‌های القاعده و طالبان، گروه تروریستی شناخته می‌شوند و تعریف گروه‌های تروریستی در کشورهای مختلف متفاوت است؛ برای مثال از نظر ترکیه برخی گروه‌های «کرد» مصداق گروه تروریستی هستند، درحالی‌که از نظر آمریکا یا اتحادیه اروپا گروه تروریستی محسوب نمی‌شوند. ازاین‌رو هر کشور براساس تعریف خود از این گروه‌ها اقدام به اجرای این دستورالعمل‌ها می‌کند؛ بنابراین در مجموع به نظر می‌رسد با عنایت به سابقه اجرای این کنوانسیون و بررسی‌های انجام‌شده در نهادهای مختلف و حق تحفظ‌های مصوب، مشکلی در این زمینه وجود نداشته باشد و بیشتر مخالفت‌های سیاسی از سر آشنابودن با قوانین و مقررات بین‌المللی و مفاد این کنوانسیون باشد.

دفاع از یک کنوانسیون

است، همین تعهدات در کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل متحد نیز ذکر شده است. جمهوری اسلامی ایران عضو سند اخیر بوده و تعهدات ناشی از آن نیز در قوانین و مقررات داخلی پیش‌بینی شده است.

۷. درخصوص ارتباط کنوانسیون پالمو با موضوعات گروه ویژه اقدام مالی (فاتف)، ذکر این نکته ضروری است که جمهوری اسلای ایران به عنوان یکی از امضاکنندگان کنوانسیون پالمو، از زمان تصویب و اجرای کنوانسیون مذکور در سال ۲۰۰۰ میلادی همواره به دلیل منافع عضویت، لایحه الحاق به کنوانسیون مذکور را در دستور کار قرار داده است. این در حالی است که دور جدید تعامل رسمی جمهوری اسلامی ایران با نهاد فاتف و تعهد به اجرای برنامه اقدام آن، عملاً از ابتدای سال گذشته شروع شده است.

۸. جمهوری اسلامی ایران در پیوستن به کنوانسیون پالمو دارای منافع مهمی است از جمله اینکه عضویت در کنوانسیون مذکور زمینه مناسبی برای همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه و منطقه‌ای با دیگر کشورهای عضو در مقابله با تهدیدات ناشی از جرائم سازمان‌یافته به‌ویژه در همکاری‌های قضائی و استرداد مجرمین فراهم می‌کند، با توجه به اهمیت روزافزون برخی از مصادیق جرائم سازمان‌یافته فراملی مانند قاچاق اموال و اشیای تاریخی برای کشورمان، جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های کنوانسیون، اقدامات قضائی خود را در سطح بین‌المللی ارتقا دهد.

ایران باتحفظ به‌این کنوانسیون پیوسته

همچنین رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس در گفت‌وگو با ایلسنا از تصویب این کنوانسیون در مجلس دفاع کرد. رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با بیان اینکه به‌دلیل فشار آمریکایی‌ها سیستم بانک‌های بزرگ دنیا برای ارتباط با ایران فعال نشده‌اند، حداقل دستاورد ایران از پیوستن به کنوانسیون پالمو را بی‌آین کردن بهانه‌های واهی آمریکا دانست و گفت ایران با تحفظ به این کنوانسیون پیوسته است. عللاًالدین بروجردی با تأکید بر اهمیت تصویب لایحه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی در مجلس اعلام کرد: آنچه مسلم است نظام مالی مشخصی بر دنیا حاکم است و ما پیش از این قانونی برای مقابله با پول‌شویی و به تصویب رسانده‌ایم و بایدیم این مصوبه جدید نیز گامی دیگر در این راستا و همچنین حلقه‌های یک زنجیره برای فعالیت‌های اقتصادی بین‌المللی است. یکی از مشکلات اساسی در ساختار اقتصادی ما، همین اختلال‌هایی است که بعضاً از سوی کشورهایی مثل آمریکا در ارتباط مالی و بانکی بین‌المللی ما ایجاد می‌شود.

آزادی موقت باقر نمازی

خانواده نمازی، یعنی باقر و سیامک نمازی، به علاوه دیگر شهروندان آمریکایی‌که در ایران در بازداشت به سر می‌برند، هستند.

همچنین استیو گلد‌اشاین، معاون وزیر امورخارجه آمریکا، آزادی موقت باقر نمازی را اولین گام در جهت آزادی کامل او خواند و گفت با توجه به وضعیت بد سلامت او لازم است هرچه زودتر برای درمان به آمریکا بازگردد. به گزارش سی‌ان‌ان، مقامات ارشد آمریکا می‌گویند واشتنگتن در بالاترین سطوح به‌شدت تلاش می‌کند تا آزادی باقر نمازی را با دائمی کند و او را به خانواده بازگرداند. مقامات آمریکایی مدعی‌اند که سیامک و باقر نمازی کار اشتباهی انجام نداده‌اند و مستحق زندان نیستند. هر دوی آنها به ۱۰ سال حبس محکوم شده‌اند و سیامک نمازی علاوه‌براین محکوم به پرداخت جریمه نقدی بالغ بر ۱۷۰ هزار دلار شده است. جرد گنسر، وکیل آمریکایی باقر و سیامک نمازی، روز هشتم بهمن خبر داده بود که با توجه به نگرانی‌ها درباره وضعیت سلامتی باقر نمازی (پدر ۸۱ ساله سیامک نمازی) با مرخصی چهار روزه او موافقت شده است. نمازی، شهروند ایرانی-آمریکایی، برای ملاقات با فرزند زندانی‌اش (سیامک نمازی) به ایران سفر کرده بود که خود نیز راهی زندان شد.

ادامه از صفحه اول

چه کسی مسئول بر فروبی است؟

درصورتی‌که وظیفه شهروندان دراین میان چیست؟ کمی به عقب‌تر و به دهه ۵۰ و ۶۰ برگردیم که در این کشور برف به‌وفور می‌بارید. اگر به آن زمان برگردیم، ملاحظه می‌کنیم که وقتی سرف می‌آمد، فردای آن روز همه شهروندان از خانه برای مدیریت معابر خارج می‌شدند و با تمام امکانات برف‌ها را در باغچه‌ها یا مکان‌هایی که مزاحمت برای دیگر همسایگان ایجاد نمی‌کرد، می‌ریختند و هیچ‌کس منتظر شهرداری و مأموران شهرداری برای پاک‌کردن معابر فرعی نمی‌ماند. امروز مشاهده می‌شود عده کمی از شهروندان جلوی منزل خود را برف‌روبی کرده‌اند و باقیی شهروندان اصلاً سست زده‌اند یا برف‌های جلوی منزل یا خودروی خود را به وسط خیابان ریخته‌اند! و شرایط عبوروروز را با مشکل مواجه کرده‌اند. در این راستا حتی دستگاه‌های دولتی و شرکت‌های دولتی نیز که تعداد زیادی «پرسنل خدمات» دارند، مدیران دست‌ور برف‌روبی جلوی شرکت را نداده‌اند! اگر در خیابان قدم زنید، ملاحظه می‌کنید که جلوی بانک‌ها، ادارات، دانشگاه‌ها، فروشگاه‌های دولتی و… که همگی دارای پرسنل خدمات هستند، باز هم برف مانند خانه‌ای متروکه است که کسی در آن زندگی نمی‌کند و باید انتظار بکشند که شهرداری برای برف‌روبی بیاید! چرا برف‌روبی معابر فرعی از شمول «مشارکت اجتماعی» خارج شده است؟ ۲- رسانه‌ها و مشارکت اجتماعی: رسانه‌های همگانی در همه انواع مشارکت نقش اساسی دارند و از عهده هیچ سازمان دیگری برنمی‌آید که به تشریح آن با موضوع «مشارکت اجتماعی در برف‌روبی» می‌پردازیم. اولین نقش رسانه‌ها، باید موضوع مد نظر و دارای اهمیت را برای شهروندان برجسته کنند و اهمیت و ضرورت آن را برای آنها آشکار کنند و «اعتبار اجتماعی رسانه» را به آن ببخشند. به عبارت دیگر به علت اینکه سوزنه‌های مشارکت در اجتماعات به‌وفور دیده می‌شوند؛ بنابراین احتمال اینکه تفکر عموم حول یک موضوع ایجاد شود، کم خواهد بود. رسانه‌ها با واردشدن به عرصه و نشان‌دادن اولویت‌ها می‌توانند افکار شهروندان را درباره مهم‌ترین موضوعات حساس کنند؛ به‌این‌ترتیب اتفاق آرا بین شهروندان درباره موضوع مشارکت به وجود می‌آید. درباره برف‌روبی، عده‌ای برف‌روبی را دور از شان و کسوت خود می‌پندارند و تصور می‌کنند که اگر آنها بیل یا پارویی دست بگیرند و معابر را تمیز کنند، شهروندان دیگر به آنها با دیده حقارت نگاه خواهند کرد (هرچند برخی شهروندان ناگاه نیز این دید را به فعالان اجتماعی دارند) درصورتی‌که اگر رسانه‌ها «اعتبار اجتماعی» به موضوع ببخشند، دیگر هیچ شهروندی این‌طور احساسی را نخواهد داشت. دیگر اینکه برخی رسانه‌ها برای رسانه‌های دیگر «رسانه نخبه» محسوب می‌شوند و توان هدایت دیگر رسانه‌ها را مدیریت‌های بحران [نه بحران آفرینی] دارند. باید عنایت داشت که رسانه‌های فکری دارای اجتماعی مجازی به علت اینکه مدیریت شبکه دارند، فقط نظامی بازنشر و بازنمایی مطالب دیگران را دارند؛ بنابراین در زمان‌های بحران، فقط باعث تشدید بحران‌ها می‌شوند؛ چراکه از هر گوشه و کناری، طعنی هجانی و نادر را بازنشر داده که این عمل در فرایند «مدیریت بحران و رسانه» قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین رسانه‌ای بزرگ مانند سازمان صداوسیما می‌تواند در توج به کادر تخصصی و فراگیربودن، مدیریت بحران را انجام و بازنشر آن را برعهده رسانه‌های اجتماعی قرار دهد. دومین موضوع نحوه مشارکت در امور است. مشارکت موضوعی نیست که شهروندان بتوانند بدون هماهنگی در آن شرکت کنند؛ بلکه باید بین شهروندان و برنامه‌ریزان این‌دریبط ارتباط برقرار شود. رسانه‌ها در وینود و برقراری ارتباط بین شهروندان و دستگاه‌های ذی‌ربط، به‌ترین وسیله و ابزار هستند و تقریباً جایگزینی برای آنها وجود ندارد؛ بنابراین زمانی که رسانه‌ها از شهروندان تقاضا می‌کنند که در زمان بارش برف از مسافرت‌های غیرضروری پرهیز کنند، باید این غیرضروری‌بودن را برای شهروندان ملموس و مصداق‌ساز کنند. سسونیم موضوع آموزش مشارکت است. آموزش مشارکت از موضوع‌هایی است که در کشورهای درحال‌توسعه کمتر به آن پرداخته می‌شود. باید توجه داشت به علت قدمت‌داشتن مشارکت مدرن در کشورهای درحال‌توسعه، آموزش شهروندان درباره مؤلفه‌های مشارکت، فواید و معایب آن، نحوه تعامل با دیگر شهروندان، نحوه هماهنگی با سازمان‌های مربوطه و حرکت یکسان و مکمل برای رسیدن به هدف از مواردی است که باید رسانه‌ها در آموزش خود به آن توجه لازم را داشته و بدون این آموزش‌ها، مشارکت تاوأم نخواهد داشت. اگر به برف‌روبی شهروندان توجه شود، بیشتر کسانی که اقدام به برف‌روبی کرده‌اند، برف‌ها را در فضاهای جمیع کرده‌اند و خود مشکل بعدی برای دیگر شهروندان به همراه دارد؛ درصورتی‌که رسانه‌ها باید آموزش دهند شهروندان برف‌ها را تا حد امکان درون باغچه‌ها بپزند تا هم برای گیاهان مفید باشد و هم مضل جدیدی ایجاد نکند. آسیب‌شناسی مشارکت برف‌روبی» در رسانه صداوسیما نیز مهم است. عادت به طلبکاری به‌جای اقدامات ایجابی، بزرگ‌ترین آسیب به رسانه‌ها و به‌ویژه سازمان صداوسیماست. به این مفهوم که سازمان صداوسیما به‌عنوان رسانه انحصاری رادیو و تلویزیون، وظایفی ایجابی بر عهده دارد که فقط از عهده رادیو و تلویزیون‌ها برمی‌آید که نمونه آن، «جلب مشارکت اجتماعی» در زمان مدیریت بحران‌هاست. اگر برنامه‌های صداوسیما با رویکرد بسج شهروندان برای برف‌روبی معابر فرعی پخش می‌شد، در همان روز اول خیلی از معابر از برف زوده می‌شد و با تصویرسازی و آموزش بصری، شهروندان می‌توانستند لحظات خوب، مفید و درعین‌حال شادی را برای خود ایجاد کنند که در این بین، یک مسابقه آدم‌فری نیز می‌توانست سطح مشارکت را به حد بالاتر ممکن برساند.